

## پیری جمعیت؛ راه حل چیست؟

راه حل چیست؟ با اطمینان می‌گوییم، راه حل در نحوه فهم ما از مشکل است. دو اقدام باید صورت گیرد.



راه حل چیست؟ با اطمینان می‌گوییم، راه حل در نحوه فهم ما از مشکل است. دو اقدام باید صورت گیرد. اول، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و بهبود وضع معیشت مردم و قدرتمند شدن جامعه و به تبع آن دولت از نظر اقتصادی برای برقراری تسهیلات جهت داشتن فرزندآوری. اقدام دوم نیز توسعه متوازن سیاسی و اجتماعی است.

به گزارش ایسنا، عباس عیدی، روزنامه نگار، در یادداشتی در روزنامه ایران نوشت: «اگرچه تاکنون چند بار درباره تحولات جمعیتی نوشته ام و همچنان معتقدم که مسأله جمعیت و ساختار آن در ایران بسیار مهم است و طولی نخواهد کشید از مقطع پنجره جمعیتی خارج و با تعداد زیادی افراد سالمند مواجه شویم که کشور قادر به تأمین زندگی آنان نیست، با وجود این به دنبال مواضع اخیر مقام معظم رهبری روزنامه «ایران» خواهان مروری دوباره و جدید درباره این موضوع شد. نگاه ایشان درباره این مسأله روشن است: «در زمینه مسائل خانواده به معنای واقعی کلمه باید تحول ایجاد کنیم. امروز خبرها و گزارش های متقن به ما می گوید که کشورمان به سرعت به سمت پیری پیش می رود، این خیلی خبر دهشتناک و بدی است. از جمله مواردی است که آثار آن وقتی ظاهر خواهد شد که هیچ گونه علاجی برای آن متصور نیست. اینها را باید با تحول انجام داد.»

بر اساس تجربه باید گفت که افزایش درصد سالمندی و سالخورده شدن تعداد بیشتری از افراد جامعه به معنای آن است که امید به زندگی در آن جامعه بالا رفته و این پدیده نشانه ای از بهبود وضع اقتصادی و بهداشت و سلامت بیشتر در آن جامعه است.

پس مشکل کجاست؟ مشکل در عدم توازن هرم سنی جمعیت است. در کشورهای توسعه یافته، با گذشت زمان تعداد سالمندان بیشتر می شود و از سوی دیگر از زاد و ولد نیز کاسته می شود. به طوری که در نهایت رشد جمعیت در بهترین حالت نزدیک به صفر خواهد رسید و در برخی از موارد منفی می شود. اگر در طولانی مدت رشد جمعیت صفر شود، ساختار و شکل توزیع سن شهروندان به صورت استوانه درمی آید، گویی که تعداد جمعیت در همه گروه های سنی صفر تا ۶۵ سال به نسبت مساوی هستند و از ۶۵ سال به بالا بسرعت کاهش پیدا می کند و به صفر می رسد. نمودارش مثل یک مداد تراشیده می شود.

اگر رشد جمعیت منفی شود مقطع و عرض این استوانه در گروه های سنی پایین، لاغرتر و کوچک تر می شود و این نه تنها از حیث تعداد جمعیت خطرناک است، بلکه سهم سالمندان را در جمعیت بالا می برد و فشار زیادی را بر منابع اقتصادی وارد می کند. عرضه نیروی کار جوان و خلاق را کم می کند و در نهایت برای رشد جامعه خطرناک و زیان بار است. البته رشد جمعیت بالا نیز برای جهان خطرناک و حتی غیر ممکن است. فرض کنیم که فقط با رشد متوسط یک درصد در جمعیت جهان مواجه شویم. ۷۰ سال بعد، جمعیت جهان به ۱۵ میلیارد نفر خواهد رسید، که عملاً مشکلات بزرگی را برای زیست بوم بشر ایجاد می کند. فراموش نکنیم، ۷۰ سال زمان زیادی برای تمدن و تاریخ بشر نیست. از جنگ جهانی دوم تاکنون فقط ۷۵ سال گذشته است! بنابراین کاهش زاد و ولد در جوامع و طبقات توسعه یافته یک اتفاق قطعی است که شواهد انکارناپذیری دارد. این جوامع توسعه یافته چگونه این مشکل را حل می کنند تا جمعیت را در حد جایگزینی حفظ کنند؟

اولین راهکار کاهش هزینه های فرزندآوری و افزایش مطلوبیت داشتن فرزند است. کمک هزینه زندگی به خانواده به ازای هر کودک، ارائه رایگان خدمات درمانی و بهداشتی، خدمات زایمان، خدمات آموزشی و گذران اوقات فراغت و نیز خدمات به مادران باردار اعم از شاغل یا خانه دار و شوهران آنان و ارتقای جایگاه کودک و اصلاح حقوق کودک از جمله تأمین حقوق آنان و نیز ساده سازی پذیرش کودکان به فرزندگی و ... همگی کمک می کنند که خانواده ها تشویق به فرزندآوری شوند. راهکار دوم نیز مربوط به پذیرش مهاجرت و ساده کردن مقررات آن است که افراد کشورهای دیگر بویژه جوانان آنان که فرهنگ فرزندآوری را نیز دارند به عنوان تبعه کشور خود می پذیرند و در جامعه خود جذب و هضم می کنند.

هر دو راهکار محصول یک جامعه توسعه یافته است. راهکار اول نیازمند قدرت اقتصادی و توان تولیدی بالا و وجود نهادهای حمایتی و بیمه ای قوی است. بدون چنین امکانی نمی توان مردم را به فرزندآوری ترغیب و تشویق کرد. اکنون هزینه های فرزندآوری چنان سنگین شده است که کمتر زوجی علاقه مند به تولید مثل هستند. بیشترشان فرزندآوری را می گذارند برای سال های پایانی باروری خود و یک کودک محض رضای خودشان به دنیا می آورند. راهکار دوم هم که در ایران منتفی است کافی است نحوه برخورد با به رسمیت شناختن تابعیت برای فرزندان زنان ایرانی که از شوهر غیر ایرانی بچه دار شده اند مرور کنیم تا متوجه شویم راه زیادی برای استفاده ما از ابزار اعطای تابعیت وجود دارد. وضعیت جمعیتی ایران چگونه است؟ الان بد نیست. در کوتاه مدت خطری ندارد. ولی ماجرای میان و بلندمدت فرق می کند. پیشتر هم نوشته ام، به نظر من جامعه ایران خیلی سریع تر از آن چه برآوردها نشان داده است رشد جمعیت آن صفر خواهد شد و

سپس چندان طولی نخواهد کشید که نمودار توزیع سنی جمعیت ایران با یک کله ی بزرگتر از تنه مواجه شود. مثل قارچ. موالید روزافزون دهه ۱۳۶۰ که اکنون در دهه چهارم زندگی هستند بسرعت رو به سالمندی می روند و نسبت جمعیت سالمند را بسیار زیاد خواهند کرد؛ در حالی که پایه این استوانه به دلیل کاهش زاد و ولد و حتی منفی شدن آن، بسیار لاغر و ضعیف خواهد بود. در آن زمان هیچ کاری هم نمی توانیم انجام دهیم. از این بدتر این که اکنون گرایش به مهاجرت از کشور در نسل جوان رخ داده که این نیز اثرات زیان باری بر ساختار جمعیتی ایران بر جای خواهد گذاشت. برای آن که تصویری از ماجرا به دست آورید، کافی است که بگوییم در دهه ۱۳۶۹-۱۳۵۹ حدود ۲۳ میلیون نفر به دنیا آمده اند. در دو دهه بعد از این، حداقل ۱۸ میلیون نفر این افراد زنده هستند.

در حالی که تعداد افراد یک تا ۱۰ سال در دو دهه بعد، بعید می دانم از ۶ میلیون نفر تجاوز کند. یعنی تعداد افراد ۶۰ تا ۷۰ ساله در سال ۱۴۲۰، ۳ برابر تعداد افراد یک تا ۱۰ ساله ها خواهد بود. بعید است که در کل تاریخ بشر هیچ جامعه ای واجد چنین توزیعی از سن جمعیت شده باشد یا حتی در آینده بشود. چرا؟ به این علت که روند تحولات و توسعه در ایران از نوعی ناپایداری مفرط در رنج بوده است. نه رشد ۳.۹ درصدی دهه ۱۳۶۰ منطقی بود و نه کاهش رشد جمعیت کنونی کشور که به گمانم تا ۱۰ سال بعد در بهترین حالت حداکثر تا ۱۵ سال بعد به صفر خواهد رسید. راه حل چیست؟ با اطمینان می گویم، راه حل در نحوه فهم ما از مشکل است. دو اقدام باید صورت گیرد. اول، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و بهبود وضع معیشت مردم و قدرتمند شدن جامعه و به تبع آن دولت از نظر اقتصادی برای برقراری تسهیلات جهت داشتن فرزندآوری.

اقدام دوم نیز توسعه متوازن سیاسی و اجتماعی است. این دومی در واقع شرط لازم تحقق اقدام اولی نیز هست، زیرا بدون توسعه متوازن، رشد اقتصادی پایدار سرابی بیش نیست. کشوری که طی یک دهه رشد اقتصادی آن صفر شده است، تولید اشتغال به نحو تأسف باری اندک بوده است، حداقل ۵ تا ۷ میلیون شغل بیشتر باید ایجاد می شد. در چنین جامعه ای تعداد متولدین از ۱.۵۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ به حدود ۱.۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸ رسید، که به منزله ۲۰ درصد کاهش طی ۴ سال است و به طور قطع امسال نیز شاهد کاهش شدیدتر به همراه افزایش مرگ و میر خواهیم بود.

شاید هیچ چیز بهتر از وضعیت جمعیت، وضعیت متناقض برخی سیاست های جاری را نشان نمی دهد که همه دنبال افزایش زاد و ولد هستند که در مقابل به سرعت در حال کاهش است.»